

ادامه از صفحه اول

متأسفانه بایدن! متأسفانه...؟

از همین منظر بود که هرگز ارتباط عمیق و وثیقی بین مردم و دولت سازندگی ایجاد نشد. با اینکه دولت هاشمی سرمنشأ تحولات بسیاری بود اما دولتی مردم‌پسند نبود و هاشمی دیر به این نتیجه رسید، بین او و مردم باید پیوندی باشد مبنی بر اینکه او مردم را به واسطه ایده‌ای درک می‌کند. آنچه باعث پیروزی ترامپ در دوره اول انتخابات ۲۰۱۶ شد، چیزی جز ایده آمریکا برای آمریکاییان نبود، ایده‌ای که هنوز از کارکرد خودش تهی نشده است خاصه اینکه بایدن در برابر او دست خالی است. دولت‌های ایده‌محور معمولاً با محبوبیت روی کار می‌آیند چراکه ایده تخیل‌برانگیز است، به تخیل مردم دامن می‌زند و این تخیل راه را برای «تصویرسازی» و «هنر باوراندن» یاز می‌کند. اکنون نه بایدن و نه ترامپ قادر به تصویرسازی برای آینده سیاسی آمریکا نیستند و حتی اگر قادر به چنین کاری باشند، باوراندن آن به مردم آمریکا نباید چندان کار راحتی باشد. این وضعیت بی‌شباهت به وضعیت سیاسی ایران نیست با این تفاوت که راه تخیل سیاسی برای مردم ایران بسته است و بدون تخیل سیاسی تصویرسازی از سیاست و باوراندن آن کار سختی است. در شرایط کنونی همه جریان‌های سیاسی ایران چه در داخل و چه در خارج حامل هیچ ایده‌ای نیستند. جریان‌های مخالف بیش از هر چیز بر نقاط ضعف یکدیگر انگشت می‌گذارند و در بهترین حالت تصویری نوستالژیک از دوران خود را تصویر می‌کنند، تصویری که ار جاع به تخیلی سوخته و رؤیایی از دست‌رفته دارد که با آن نمی‌توان سیاست خلق کرد. خلق سیاست با ایده شکل می‌گیرد. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند و جایگزین خوب یا بدی برای یکدیگر می‌شوند. آنچه دولت‌ها را در اذهان ماندگار می‌کند، ایده‌ای است که دولت‌ها به کار گرفته‌اند. البته ناکفته پیداست همواره ایده‌ها مردم‌ساز نبوده‌اند و گاه موجب فجایع تاریخی شده‌اند اما همین ایده‌ها نیز انکشافی از محتوای یک جامعه بوده است و چرایی و چگونگی آن بیش از آنکه به دولت‌ها بازگردد که برمی‌گردد، به مردم همان دوران برمی‌گردد. برای روشن‌شدن این منظور می‌توان از دولت فاشیستی هیتلر نام برد.

تنها ایده‌های دولت‌های پوپولیستی است که انتخاب آن چندان به مردم ربطی ندارد و در آن انکشاف و خلقی صورت نمی‌گیرد. ایده‌های دولت‌های پوپولیستی بر فریب مردم استوار است و فریب‌دادن مردم در کوتاه‌مدت کار چندان دشواری نیست چون مردم همواره آماده‌اند آن چیزهایی را بپذیرند که رؤیایش را در سر دارند. در همه جای دنیا گاهی دولت‌های پوپولیستی روی کار آمده‌اند. دولت‌های پوپولیستی جامعه را از سیاست تهی می‌کنند و به بی‌اعتمادی مردم دامن می‌زنند چون با پمپاز خیال به جای تخیل، سیاست را نابود می‌کنند. اما این ایده‌ها نیستند که گگاه مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار می‌گیرند. بلکه تصویرسازی و هنر باوراندن هم از سوی تحلیلگران سیاسی برای روی کارآوردن دولت‌ها و ماندگاری‌شان به کار گرفته می‌شود. تحلیلگران سیاسی‌ای که کارشان بی‌شباهت به شرکت‌های کارگزاری نیست، ایده‌هایی را می‌سازند و آن را ترویج می‌کنند. شاید یکی از دلایل پیروزی روحانی «ایده دفع شر» بود که توسط تحلیلگران سیاسی ساخته و پرداخته شد تا برخی مردم به دولت یازدهم رای بدهند. از این‌رو باید گفت آرای دولت دوازدهم اصلیت از آرای دولت یازدهم است. اگرچه بسیاری بعد از اینکه آرای به حمایت از روحانی به صندوق ریختند پشیمان و دلسرد شدند. باید گفت دولت روحانی ایده‌ای نداشت و کارگزاران سیاسی برایش ایده تراشیدند. کارگزاران سیاسی و پوپولیست‌ها به یک میزان مردم را به سیاست بی‌اعتماد می‌کنند. اگر بخواهیم شرایط کنونی را درک کنیم باید این ملاحظات و معیارها را در نظر داشته باشیم که مردم ایران یک دولت پوپولیست و هم یک دولت برآمده از ایده کارگزاری را تجربه کرده‌اند و بسیار بدیهی است بعد از این تجربه جامعه تهی از تخیل سیاسی شده و تصویرسازی و باورپذیری در آن ناممکن می‌شود. این عناصر سه‌گانه شرکت در انتخابات پیش‌رو را تحدید می‌کند و شاید مردم در پاسخ به این پرسش که به چه کسی رای خواهند داد خواهند گفت: «متأسفانه...!».

لطمه به جماران، آسیب به تهران

البته نباید نادیده گرفت که این وضعیت در دوران دهه اول انقلاب نیز به نوعی در نواحی دیگر با ضرابهنگ ضعیف‌تر به چشم می‌خورد اما حضور امام در جماران و منظر و صورت خاص آن برای تاریخ معاصر ایران، یک برکنی ایجاد کرد که مجوزندادن برای ساخت‌وساز و حفظ بافت اجتماعی و تاریخی منطقه را درپی داشت. در دهه ۸۰ از مجموع محلات منظریه، نیاوران، اقدسیه و... فقط بخشی از شمیران که به‌طورنسبی اصالت خود را حفظ کرد جماران بود. این سرمایه مهم شهری، فرهنگی و اجتماعی باید دستمایه اصلی توسعه شهری قرار بگیرد و در طرح تقصیلی و جامع توسعه شهر تهران، مورد توجه باشد. جماران از بعد سیاسی – اجتماعی و فرهنگی به‌دلیل حضور بانی انقلاب اسلامی در آنجا و همچنین حفاظت غیرمستقیم از بافت روستایی بخشی از شمیرانات، یک سرمایه مهم شهری است که رنگ و بوی روستایی تهران را نمایندگی می‌کند. این رخداد به عنوان سرمایه در منظر طبیعی و فرهنگی در همه شهرهای جهان مستتر است و هر شخص یا نهادی که بخواهد به آن صدمه بزند، کل شهر تهران و تاریخ و فرهنگ آن را نشانه گرفته است.

رئیس قوه قضائیه گفت: مقام معظم رهبری با حساسیت ویژه به موضوع افزایش جمعیت تاکید دارند و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این مسئله موضوعی پیچیده و لاینحل نیست، اما به نظر می‌رسد برخی سیاست‌ها و دیدگاه‌ها مانع از تحقق آن می‌شود. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، سیدابراهیم رئیسی

در نشست احیای حقوق عامه در حوزه سلامت گفت: آمریکا و اروپا با آن همه ادعای تخصیص تولید ناخالص ملی به بخش سلامت، در مواجهه با کرونا فشل شدند، اما در ایران با تدبیر مقام معظم رهبری و همراهی مردم، با وجود این کادر پزشکی توفیقات بزرگی حاصل شد. او با اشاره به تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلان

این حوزه، از عدم اجرای کامل این سیاست‌ها و بندهای مربوط به نظام سلامت در برنامه چهارم توسعه انتقاد کرد. رئیسی گفت: افزایش جمعیت حتما یک فرایند پیوسته اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که باید در کنار هم و به‌طور جامع دیده بشوند، اما برخی اقدامات خلاف سیاست‌های کلان نظام است که باید به آنها

افزایش جمعیت نیازمند اراده جدی همه بخش‌هاست

رئیس قوه قضائیه:



کمتر از یک سال دیگر هشتمین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی ایران بر مسند ریاست دولت خواهد نشست و تا آخرین روز ثبت‌نام کاندیدها برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، گمانه‌زنی برای ورود بسیاری از سیاست‌مداران به این رقابت انتخاباتی ادامه خواهد داشت. روزنامه «شرق» در نظر دارد در سلسله‌گزارش‌هایی به افشادی (از همه طیف‌های مختلف سیاسی، از اصولگرا تا میانه‌رو و اصلاح‌طلب) بپردازد که در دوران سیاست‌ورزی خود این توان و انتظار را ایجاد کرده‌اند تا بتوانند سیدرایی برای رفتن به پاسور داشته باشند؛ اما گاه فرصت‌سوزی‌ها و گاه ناملایمات سیاسی روزگار، م بخت و اقبال‌شان را برای پاسورنشینی کم کرده است.

آنها در مذاکرات آلماتی گفته‌اند که اگر غنی‌سازی را کند و فوردو را کند کنید، ما سه تحریم را برمی‌داریم. رقیب هم‌جناحی‌اش در همان مناظره‌های انتخاباتی بود که دست روی نقطه‌ضعفش گذاشت، نه رقیب اصلاح‌طلب یا اعتدال‌گرایش. سال ۹۲ همه امیدها و آرزوها به دولت آینده در سیاست خارجی گره خورده بود؛ پس قطعا فردی که نماد وضع موجود شناخته می‌شد. کمترین شانس پیروزی را داشت. گرچه بعد از باخت، برخی اصولگرایان معتقد بودند اگر به‌جای تکثر نامزد(ها از (قالیباف تا جلیلی، ولایتی و رضایی) با یک نفر آمده بودند، بازی را می‌بردند، اما در این میان قطعا شانس با جلیلی نبود؛ یعنی اگر جلیلی و روحانی روبه‌روی هم قرار می‌گرفتند، بعید بود نماد تحول در سیاست خارجی به نماد وضع موجود در سیاست خارجی بیازد. فلسفه‌خوان سیاست خارجی به تعبیر ولایتی نمی‌توانست صحنه بازی را به شیخ دیپلمات و دبیر شورای عالی امنیت ملی در آغاز پرونده هسته‌ای ایران و معاهده سعدآباد برزد.

سال ۹۲ سعید جلیلی به گفتمان خودش باخت؛ گفتنی‌است مقبول در اصولگرایی که طرفدار مژنونلوی است نه دیالوگ. درحالی‌که شیخ دیپلمات آمده بود که از دیالوگ در دیپلماسی سخن بگوید. علی‌اکبر ولایتی در همان مناظره‌ها جلاتی خطاب به جلیلی گفت که تأثیری شکفت‌انگیز در سرنوشت او در آن انتخابات داشت؛ وقتی بر ایتروودن دیپلماسی او تاکید کرد و گفت: «دیپلماسی این نیست که در کشورهای دیگر خطابه بخوانید و مطالبی را که در کنفرانس مطبوعاتی می‌گفتید، اینجا هم بگویید؛ در آخرین مذاکرات آلماتی پیشنهاداتی شد که می‌شد بر اساس آن پیش رفت، اما آقای جلیلی آن را نپذیرفته است.

آنها در مذاکرات آلماتی گفته‌اند که اگر غنی‌سازی را کند و فوردو را کند کنید، ما سه تحریم را برمی‌داریم. این به شهادت معاون وزارت خارجه است که در مذکرات بوده، ولی شما گفته‌اید که کل تحریم را بردارید که نشان می‌دهد نمی‌خواهید کار را پیش ببرید. مثل این است که جنس صد تومان‌ی را به کسی بخواهند بفروشند و او بگوید این را به من دو تومان می‌دهی! خب فروشندگی معتقد بود اگر خریدار نیستی چرا به اینجا آمده‌ای؟ در مذاکره گام‌به‌گام و به‌تدریج است که مسائل حل می‌شود. دیپلماسی این نیست که در داخل کشور بگوییم ما اصولگراییم و انعطاف نداریم. دیپلماسی خشونت و سرسختی نشان‌دادن نیست، دیپلماسی تعامل و بده‌بستان است. نمی‌شود که آنها هرچه که ما می‌خواهیم بدهند و ما هیچ کاری نکنیم؛ دیپلماسی بی‌انیه صادرکردن پشت‌تربون نیست!». مشابه این روایت از سعید جلیلی در نوع مذاکره‌هایش با طرف‌های خارجی باز هم ذکر شده است؛ مثلاً یک بار که در ارتباط با پرونده هسته‌ای به چین سفر کرده بود، روایت چنینی‌ها این بوده که این آقا آمد آنجا یک بیانه خواند و برگشت؛ واقعیت این بود که حتی طرف‌های خارجی هم سر از حرف و کار جلیلی درنمی‌آوردند و سخنان ولایتی در آن مناظره‌ها کاملاً درست و مبتنی بر واقعیتی بود که رخ داده بود. بعد از انتخابات ۹۲ تعارضی میان حامیان دو رقیب اصلی درگرفت؛ حامیان جلیلی و قالیباف، هریک معتقد بودند در صورت کناررفتن دیگری، شانس پیروزی با طرف دیگر بود. در این میان حامیان قالیباف دست بالاتر را داشتند، چون رایی بیش از جلیلی آورده بود. جلیلی در آن انتخابات کنار نرفت،

توجه داشت و نباید اجازه داد این نوع اقدامات صورت بگیرند. در حوزه جمعیت به اندازه کافی مطالعه و کار پژوهشی انجام شده و با کمبود سیاست و قانون مواجه نیستیم، افزایش جمعیت نیازمند اراده جدی همه بخش‌هاست تا سیاست‌ها و قوانین موجود را عملیاتی و روش‌های موجود را اصلاح کنند.

خارج بیشتر و آسان‌تر از قبل شده است یا کمتر؟! گرچه خودش مدعی است دولت در سایه‌پاش یک گفتمان است نه تشکیلات! بهمین‌ماه ۹۸ در جریان یکی از جلسات دولت سایه، درباره ماهیت و کارکرد آن گفته بود: «آن چیزی که ما در اینجا تحت عنوان دولت سایه مطرح کردیم، نه حزب است و نه تشکیلات، بلکه یک گفتمان است؛ به این معنی که فرد سایه‌پاشیه روند تحولات را دنبال کند و در حد وسعش بر مسیر حرکت انقلاب اسلامی تأثیر مثبت بگذارد».

جلیل میرزایی، نماینده سابق مجلس، درباره دولت سایه جلیلی گفته بود: «در کشور ما آنچه تحت عنوان دولت سایه مطرح می‌شود، بیشتر شبیه به گروه فشار است که این گروه فشار، اعضا و افراد تشکیل‌دهنده‌اش نامشخص هستند. عجیب هم این است که این گروه فشار یا دولت سایه انتظار دارد دولت مستقر به‌جای پیگیری و برنامه‌هایی که بابت آن از مردم رای اعتماد گرفته است، مطالبات آنها را اجرا کند که این یک بدعت است».

با آمدن مجلس جدید، چتر دولت در سایه را بر سر این مجلس هم گسترده کرده و هر روز یک توصیه به مجلسیان دارد؛ برای مثال درباره لزوم اصلاح ساختای بودجه‌ای سال ۱۴۰۰ اعلام کرد: «اصلاح ساختاری بودجه سال ۱۴۰۰ باید از اولویت‌های سال نخست مجلس یازدهم باشد. بر این‌سبب، همچون مجلس دهم آمادگی ارائه نتیجه مطالعات و بررسی‌هایی که در حد بدست‌صورت گرفته است، به نمایندگان ملت و کمیسیون‌های مرتبط اعلام می‌شود». نامه‌ای هم خطاب به قالیباف درباره الزامات مجلس یازدهم برای امیدآفرینی به مردم با «چند اقدام نقطه‌زن» نوشته است: «برادر قالیباف؛ یک مجلس قوی می‌تواند با چند اقدام نقطه‌زن، عرض‌های از تهدید را دفع و جبهه امید را پیش‌روی ملت بگشاید. اقداماتی مؤثر، دقیق و متناسب با آمادگی‌های کنونی کشور که مستقیم در قلب دسیسه دشمن نشینند و موجب راه‌افتادن برنامه‌های پشیران کشور شود».

به‌تازگی شایعه‌ای به نقل از سیدحسین نقوی‌حسینی، نماینده سابق مجلس، در ارتباط با تشکیل ستاد انتخاباتی سعید جلیلی مطرح شده بود. البته او بعدا گفت: «من نگفتم ستاد آقای جلیلی یا شخص دیگری تشکیل شده است. این نقل‌قول از طرف خودم را تکذیب می‌کنم. من عرض کردم افرادی که در عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری فعال هستند و نشست‌های خصوصی برگزار می‌کنند، کسانی مثل آقای جلیلی هستند». یکی از نزدیکان جلیلی به انصاف‌نیز گفته است: «حضور او هنوز در انتخابات ۱۴۰۰ مشخص نیست، تا آن موقع خیلی زمان باقی مانده است». تا حدودی حرکت چراغ‌خاموش این روزهای آقاسعید با توجه به قاعده بازی سیاست انتخاباتی در ایران گمانه‌زنسی درباره حضورش در ۱۴۰۰ را قوت می‌بخشد، گرچه درصورتی‌که رقیبی قُدرت‌تر از او وارد گود انتخابت شود، قطعا جلیلی نخواهد آمد.

روزنه

محمدرضا تاجیک:

شرایط تاریخی آن زمان شریعتی را طلب می‌کرد

● محمدرضا تاجیک در گفت‌وگویی از تأثیر اندیشه‌های دکتر علی شریعتی بر آرای خود سخن گفته است: «بی‌تردید افکار شریعتی روی نسل من تأثیر بسزایی داشت. معنا و مفهومش این نیست که من در شرایط کنونی که قرار دارم هر آنچه را که شریعتی کرد و اندیشید، تأیید می‌کنم. بسیاری جاها فاصله نقادانه دارم، اما شریعتی روح زمانه خودش بود، شریعتی فرزند زمانه خودش بود. اخیرا از برخی از نویسندگانی که اسم و رسمی دارند، می‌خوانم که به‌شدت امثال ایشان را مورد هجمه قرار می‌دهند و از این جهت که خصوصا دین را ایدئولوژیک کرد، از یک منظر ایدئولوژیک به قضایا نگاه می‌کرد و بیشتر سویه‌های فکری‌اش در جهت برپاکردن یک انقلاب و تغییر رادیکال جامعه بود، از شیعه علوی یک حزب تمام ایجاد کرد. این را یک نوع تقلیل‌گرایی می‌دانند. شریعتی یک نـوع تسلط‌گرایی و نوعی برجسته‌کردن عصبیت‌های ایدئولوژیک و نگاه ایدئولوژیکی که بیان آنها اقاتی را در جامعه ما داشت [با خود داشت] و از نکرش‌های پلورالیستی ممانعت می‌کرد و نوعی عصبیت اعتقادی و اندیشگی را در بدنه جامعه تزریق می‌کرد».

به گزارش «اعتمادآنلاین» او ادامه داد: «اما من به‌عنوان نسلی که از آن متأثر هستم، اگر بخواهم از یک نگاه و رویکرد درون‌ماندگار نسبت به شریعتی قضاوت کنم یا از یک رویکرد اسکیزنی بخواهم بین تکست و کانتکت یک نوع دیالوگ و دیالکتیک برقرار کنم، بی‌تردید شرایط تاریخی ما در آن زمان شریعتی را طلب می‌کرد نه بسیاری از روشنفکرانی که بعدها تلاش کردند از دین ایدئولوژی‌زدایی کنند، نه. کسانیی که خواستند سسویه سیاسی دین را از آن متمایز کنند، نه. در آن نسل، ما به‌دنبال یک تئوری راهنمای عمل و یک تئوری مبارزه بودیم. در آن شرایط، مارکسیست به‌شدت در بین جوانان و دانشگاهیان ما به‌عنوان یک تئوری مقاومت و یک تئوری مبارزه و یک تئوری رهایی مطرح بود».



او در پاسخ به این پرسش که اکنون که چند دهه می‌گذرد، شما با عینک مارکس و با ترجمه دکتر علی شریعتی به یک ایدئولوژی‌ای رسیدید و همچنان از آن نگاه دفاع می‌کنید یا نه، پاسخ داد: «خیر. شرایط متفاوت است. دیدگاه کنونی من که خیلی‌ها معتقدند بیست‌مدرن است و یک دیدگاه کاملاً گفتمانی با من به شکل جدی در جامعه شروع شده است، اما می‌خواهم آن زمان را بگویم. شما از منی صحبت می‌کنید که در یک کانتکت زمانی خاص به سر می‌برم و در آن کانتکت زمانی شریعتی وجود دارد که قبل از انقلاب است. ما داریم در آن اول تا آخر می‌کنیم. منی که در آن زمان زیست می‌کند، تحت تأثیر افکار شریعتی است و آموزه‌های او به‌شدت روی فضای فکری، نظری و عملی او تأثیرگذار است و طبیعتا به این معنا نیست که من کماکان در همان فضا دارم سیر می‌کنم و زیست‌جهانم کماکان متأثر از آموزه‌های شریعتی است».

تاجیک درباره اینکه آیا هنوز از آموزه‌های مارکس شریعتی در ذهن دارید یا خیر، ادامه داد: «منی‌شود گفت که نمانده است. من قبل از ۸۸ شاید یک بار دیگر شروع کردم کتاب‌های شریعتی را خواندم و سخنرانی‌های ایشان را گوش کردم. من فقط همان‌طور که گفتم به‌دنبال یک پاسخ بودم، نه اینکه فقط شریعتی را خوانده باشم. شریعتی را چون قبلا بسیار می‌خواندم ولی سنی داشتم که بعضی وقت‌ها کتاب‌های ایشان را نمی‌فهمیدم، کتاب‌هایی که به شکل بسیار خاصی به دست می‌آمد و باید سریع برمی‌گرداندم. بعضی از کتاب‌های شریعتی را از اول تا آخر نوشتم چون در آن سنی که بودم بسیاری از مطالبش را متوجه نمی‌شدم. بنابراین من نوشتم که [چون] کتاب را باید برگردانم، این فرصت را داشته باشم که دوباره برگردم و بخوانم؛ بنابراین بعضی از کتاب‌های ایشان را تماما نوشتم، نه اینکه فیض‌برداری کرده باشم. تمامش را نوشتم چراکه کتاب باید سریع برمی‌گشت. تا جایی که به یاد دارم کتاب «شیعه علوی» بود یا کتاب چه باید کرد؟ یا آری پدرا مادر! ما متهمیم، آری این‌چنین بود برادر که چندین‌بار این کتاب را مطالعه کردم و به‌لحاظ احساسی تأثیر خاصی داشت و خودم هم بعد از انقلاب شروع کردم یک کتاب تحت همین عنوان آری، این‌چنین بود برادر [نوشتم]، ولی با سرنوشت و روایت بعد از انقلاب خودم که چه می‌خواستیم و چه اتفاقاتی در حال رخ‌دادن است و اتفاقا خطاب من به شریعتی است که تو ما را دعوت کردی به چی و چی و... و بعد از تو چه گذشت».

سیاست